

با مردم

شماره تفکی از مطالب یا خوانندگان: ۰۲۱۲۳۰۰۲۳۳۲۷

متروی تهران – کرج نیازمند بهسازی و توسعه است

اگر متروی تهران –کرج توسعه نیابد واقعا بیشتر از این تاب سوار کردن این میزان مسافر را ندارد.هم اکنون نه تعداد قطارهای موجود کافی است، نه کیفیت قطار ها و تجهیزات داخل شان به روز و نوسازی شده است و نه خطوط توسعه یافته‌اند. درحالی‌که حدود ۳دهه قبل این خط راه‌اندازی شده که شاید نصف جمعیت کنونی بین تهران و کرج آمد و شد نمی‌کردند.

لیاس فرم مدارس در چهارمحال وبختیاری گران به فروش می‌رسد در حالی‌که قیمت مصوب لباس فرم مدرسه پسرانه ۲میلیون و ۵۰هزار ریال تعیین شده لباس فرم مدرسه پسرم را به ۴۰۰هزار تومان خریدم،فروشنده هم اصرار که جنس پارچه چنبن و چنان است و آموزش وپوروش هم تاکید دارد که به فروش رساندن بیش از این قیمت غیرقانونی است و والدین می‌توانند شکایت کنند. من که این رقم را پرداختم و فرصت شکایت هم ندارم ولی این مصوبه نیازمند نظارت و اجرای دقیق است تا والدین کمتر برخوردار دچار مشکل و شرمنده فرزندان خود نشوند.

فاصله حرکت اتوبوس‌های خط پارک‌وی به راه‌آهن زیاد است اتوبوس‌های خط پارک‌وی به راه‌آهن به قدری با تعلل شروع به حرکت می‌کنند که تقریبا هر روز شاهد در گیری بین مسافرین و راننده هستیم. از طرفی تعداد مسافرانی که سوار می‌شوند به حدی زیاد است که جای سوزن انداختن نیست. با در نظر گرفتن اینکه هنوز خطر انتقال کرونا وجود دارد و مردم ناگزیر از استفاده از ماسک و رعایت فاصله اجتماعی هستند، سوار کردن این حجم از مسافر بسیار خطرناک و نگران کننده و این میزان توقف، غیراستاندارد و آزاردهنده است.

گلبوزا تهران

در شهرستان‌های استان تهران کنسرت پرگزرا کنند مردم در شهرستان‌های استان تهران از جمله رباط کریم واسلامشهر از اقلشار ضعیف و کمبرخودرار جامعه هستند که مانند باقی مردم این سرزمین حق بهر موندی از تفریحات سالم و مورد تأیید مسئولان را دارند. در قشر ماگرا قرار باشد برای شرکت در یک کنسرت به فرض آنکه بلیتش را خریده باشیم در برج میلاد به اندازه نصف حقوق یک ماه هزینه برمی‌دارد چرا که نمی‌توان با پای پیاده رفت یا گرسنه و تشنه رفت یا مثلا پسر نوجوان و دختر جوان را رنبر. پس رفتن به چنین کنسرت‌هایی در مکان‌های خاص علامت منفی است.بنابراین جادارد به شهرستان‌های استان تهران نیز نیمی‌نگاهی داشته باشند. تقاضای بررسی این موضوع و اعطای مجوز برگزاری کنسرت در شهرستان‌های اسلامشهر و رباط کریم را داریم.

پوریا زاده از رباط کریم وقتی در قم زمین نیست چرابرای مسکن ملی ثبت‌نام می‌کنند با توجه به اینکه ثبت‌نام مسکن ملی در استان قم همچنان ادامه دارد و به یوزه در شهرستان جعفرآباد ثبت‌نام‌ها پیگیری می‌شود، این سوال مطرح است که ثبت‌نام کنندگان در کجا مسکن خواهند گرفت؟ چون مسئولان مدام اعلام می‌کنند که در قم با کمبود زمین مواجه هستیم. شنیدم که حدود ۱۰۰هزار نفر در قم برای مسکن تأیید صلاحیت شده‌اند. آیا واقعا قم جای برای ساختن تعداد مسکن و کسانی که این روزها تأیید می‌شوند دارد؟

محمدی از قم بن خرید لباس به تمام کارکنان دولت تعلق گیرد با این وضعیت گرانی پوشاک و درآمد کم کارمندان، واقعأ توان خرید این قشر کم شده است. سابقا رسم بر این بود که هر سال حداقل یک نوبت بن خرید پوشاک در اختیار کارمندان قرار می‌گرفت اما مدت‌هاست که دیگر خبری از این بن‌ها نیست. از مسئولان تقاضا داریم مجددا این روند را پیگیر کنند تا کمکی از فشار اقتصادی طبقه کارمند کم شود.

نریمانی از بوشهر

زن جوان که به بهانه تعارف غذای نذری، دختربه عسالمای را از داخل مسجد ربوده بود، پس از دستگیری به ربودن دختر بچه‌ای دیگر هم اعتراف کرد. او ادعا می‌کند که در حسرت مادر شدن دست به کودک‌ربایی می‌زد.

به گزارش همشهری، چهاردهم شهریور امسال وقتی زنی به همراه نوه ۶ساله خود به نام نرگس برای خواندن نماز به مسجد محله‌شان رفت، زنی جوان به آنها نزدیک شد و به بهانه دادن غذای نذری دختر بچه ۶ساله را ربود و با خود برد. مادر بزرگ که در پایان نمازش متوجه گم شدن نوه‌اش شده بود، پلیس را خبر کرد و تیمی از مأموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران برای پیدا کردن کودک ربوده شده وارد عمل شدند. درحالی‌که تحقیقات ادامه داشت زن کودک‌ربا با موبایل مادر نرگس تماس گرفت و گفت در ازای دریافت ۵۰میلیون تومان حاضر است دخترشان را به آنها تحویل دهد. او تهدید کرد که اگر پای پلیس به ماجرا باز شود جان نرگس کوچولو در خطر است. در ادامه تحقیقات، مأموران موفق شدند رد پای زن کودک‌ربا را در پارک در جنوب شرق تهران به‌دست آورند. آنها پارک را محاصره کردند و درحالی‌که چند ساعت از ربوده شدن دختر بچه گذشته بود، زن کودک‌ربا با دیدن پلیس در اطراف پارک، دختر بچه عماله را در گوشه‌ای رها کرد و متواری شد. آن روز نرگس کوچولو صحیح و سالم در آغوش خانواده‌اش قرار گرفت اما تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه دارد. به گفته سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران، کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران رصدهای اطلاعاتی را ادامه دادند و با بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم مخفیگاه متهم را در جنوب تهران شناسایی کردند.

وی افزود: عصر سه‌شنبه و با هماهنگی قضایی، کارآگاهان وارد مخفیگاه این زن شدند و او را دستگیر کردند. متهم پس

حوادث

متهم مدعی است در حسرت مادر شدن دست به کودک‌ربایی می‌زد

دستگیری زنی که دختر بچه‌ها را می‌ربود

انگیزه عجیب

زن جوان ۲۸ساله است وسابقه کلاهبرداری و سرقت دارد. او ۲ کودک را به بهانه دادن غذای نذری ربوده و پس از سرقت طلاهای آنها، رها یشان کرده است اما حالا در ادعایی عجیب می‌گوید که دختر بچه‌ها را در حسرت مادر شدن می‌دزدیده است.

انگیزه اصلی‌ات از ربودن دختر بچه‌ها چه بود؟
دلم می‌خواست بچه داشتم باشم-و پرایش مادری کنم. سال‌ها بود که در حسرت مادر شدن بودم و هیچ وقت نتوانستم به آرزویم برسم. وقتی که می‌دیدم خواهرانم و همسران برادرانم بچه دارند حسرت می‌خوردم و با خود می‌گفتم چرا من جای آنها نیستم. هر وقت می‌دیدم که آنها با ذوق و اشتیاق، کودک‌کان‌شان را به پارک می‌برند غصه می‌خوردم که چرا من مانند آنها خانواده‌ای ندارم و صاحب بچه نیستم. همین انگیزه‌ای شد تا کودک‌کان را به بهانه دادن غذای نذری با خودم به پارک می‌بردم. چند ساعتی با آنها خوش می‌گذراندم و تصور می‌کردم مادرشان هستم و نقش یک مادر را بازی می‌کردم.

بعد چه می‌شد که رهایشان می‌کردی؟
چند ساعت بعد وقتی بچه‌های تابمی می‌کردند و سراسر مادرشان را می‌گرفتند ناچار می‌شدم رهایشان کنم.

اما دست به اخاذی و سرقت طلاهاشان هم زده‌ای؟
تا زمانی که نقش مادر را بازی می‌کردم که اصلا فکر سرقت و اخاذی در سرم نبود اما وقتی بچه بی‌تابی می‌کرد و بهانه مادرش را می‌گرفت تازه به‌خودم می‌آمدم و می‌فهمیدم که من مادر واقعی آنها نیستم و باید از این خواب عجیب بیدار شوم. از آنجا که مشکلات مالی داشتم ناچار می‌شدم به سراغ هر حله بعدی یعنی سرقت و اخاذی بروم که البته در نقشه اخاذی ناکام ماندم و تنها به سرقت اکتفا کردم.

چند کودک را با این‌شگر ربودی؟
فقط ۲ کودک. البته قبل از کودک‌ربایی قصد داشتم از زائران حرم در تهران و شهرری و یا نمازگزاران در مساجد سرقت کنم که نقشه‌هایم عملی نشدند.

سابقه سرقت و کلاهبرداری هم داری؟
۹ماه در زندان بودم. با مرئی آشنا شدم که او فریبم داد و بعد به من تمهت زد که انگشتر طلایش را سرتقت کرده‌ام. رفت از من شکایت کرد و من نتوانستم بی‌گناه بودنم را ثابت کنم و ۹ماه تمام پشت میله‌های زندان بودم. پس از آزادی به سراغ مردی که از من شکایت کرده بود رفتم اما نتوانستم او را پیدا کنم تا به شکایت او و ببر دارم. مدتی بعد هم با مرد دیگری آشنا شدم و با هم از دواج کردیم اما اختلافات زیادی با یکدیگر داشتیم و کار به جدایی کشیده شد. من زن بدشانسی هستم و در همه این سال‌ها هیچ وقت پیش نیامد که شانس در خانه‌ام را بزنم و آرزوهایم رنگ واقعبیت به‌خودشان بگیرند.

می‌دانستیم که بیماران نیازمند زیادی در انتظار دریافت اعضای اهدایی قرار دارند و زندگی‌شان به این اعضا بستگی دارد. به همین دلیل خانواده بیمار مرگ مغزی وارد به جداسازی و اهدای اعضای بدن سیدمحمدحسین رضایت دادند و اعضای بدن او چندین بیمار نیازمند رنجات داد. او در ادامه می‌گوید: از این گذشته من خودم هم سال‌هاست که در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج کار می‌کنم و بارها شاهد تلاش همکارانم برای جلب رضایت اولیای دم بیماران مرگ مغزی بوده‌ام. خودم هم مدت‌هاست که کارت اهدای عضو دریافت کرده و وصیت کرده‌ام که اگر دچار حادثه‌ای شدم خانواده‌ام اعضای بدنم را اهدا کنند. در این شرایط وقتی برادرم در سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شد تصمیم گرفتیم که برای رضای خدا اعضای بسدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنیم.

او موافقت کردند. او ادامه می‌دهد: به‌دلیل اینکه درومین مرتبه بود که در این خانواده یک نفر دچار مرگ مغزی می‌شد اعضای این خانواده با اهدای عضو آشنایی داشتند و بعد از انجام مقدمات قانونی، سه‌شنبه شب عملیات جداسازی اعضا انجام شد. او درباره اعضای پیوندی می‌گوید: ۲کیلو و کبد این بیمار جداسازی شده و برای پیوند به بیماران نیازمند به دانشگاه علوم پزشکی شیراز ارسال شد.

«خودم سال‌هاست کارت اهدای عضو دارم. پسرعموهایم وقتی دچار مرگ مغزی شدند اعضای بدنش را اهدا کردیم. چند روز قبل هم وقتی برادرم بعد از تصادف دچار مرگ مغزی شد تصمیم گرفتم با اهدای اعضای بدنش به بیماران نیازمند کمک کنیم.» این حرف‌های یکی از اعضای خانواده‌ای است که برای دومین مرتبه یکی از آنها دچار مرگ مغزی و اهدای عضو شده است و می‌گوید اگر باز هم چنین اتفاقی بیفتد برای اهدای عضو آماده هستند. به گزارش همشهری، روز ۲۷شهریورماه امسال بود که سیدفیاض‌الله جهانبین، یکی از اعضای خانواده جهانبین هنگام عبور از یکی از روستاهای اطراف یاسوج دچار حادثه شد. او عابر پیاده بود و در یک سانحه رانندگی به‌شدت مصدوم و به بیمارستان منتقل شد. به‌دلیل شدت جراحات وارده هوشیارش ای پایین بود و وضعیت وخیمی داشت. به همین دلیل به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد و کادر پزشکی همه تلاش‌های خود برای نجات او را انجام دادند. در این مدت اعضای خانواده او تنها کارشان دعا کردن برای بازگشتش به زندگی بود. او ۸شبانه روز روی تخت بیمارستان تحت درمان بود تا اینکه سرانجام سطح هوشیاری او به قدری پایین

سیدآیت‌الله جهانبین، برادر این بیمار مرگ مغزی در این‌باره به همشهری می‌گوید: سال ۹۸بود که پسرعمویم سیدمحمدحسین جهانبین که ۷سال پیش دچار سانکته مغزی شد و وقتی او را به بیمارستان منتقل کردیم اعلام کردند که دچار مرگ مغزی شده است. از دست دادن او برای ما و خانواده‌اش سخت بود اما چاره‌ای نداشتیم جز اینکه در برابر خواست خداوند تسلیم شویم. از طرفی

زن تا یوانی فرزندانش را مسموم می‌کرد تا در شبکه‌های اجتماعی کمک مالی جمع آوری کند

اعدام برای مادر بی‌رحم تایلندی



مدعی شده بود که وی به دلیل حساسیت دچار معده‌در شده است. این دختر بچه نیز علامتی مشابه پسریچه ۴ساله ناتپوان داشت. اما بخت باو یار نبود و وی جانش را از دست داد و در آن زمان هیچ‌کس به ماجرا مشکوک نشد. مأموران همچنین دریافتند که مادر بی‌رحم، این دختر بچه را در سال ۲۰۱۵ به فرزندی پذیرفته بود. اما اندکی پس از آن شروع به خوراندن مواد شسونده به وی کرده بود. پس از آن نیز عکس‌هایی از وی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده و مدعی شده بود که فرزندش از یک نوع بیماری نادر رنج می‌برد و همین باعث شده بود که برخی از کاربران که دلشان به حال او سوخته بود، به وی کمک مالی کنند.

حکم اعدام

با کشف این حقایق، زن جوان به اتهام سوءاستفاده از کودکان برای در خواست کمک مالی، به جرم قتل و اقدام به قتل، ارتکاب کلاهبرداری و قرار دادن اطلاعات تقلبی در شبکه‌های



زنی در تایلند فرزندانش را مسموم می‌کرد تا با انتشار عکس آنها در شبکه‌های اجتماعی واین ادعا که فرزندانش از یک بیماری نادر رنج می‌برند، کمک‌های مالی جمع‌آوری کنند. این زن به اتهام قتل یکی از فرزندانش به اعدام محکوم شد.

به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های تایلند، زمستان ۱۳سال پیش ناتپوان را کوجنت درحالی‌که پسر ۴ساله‌اش را در آغوش گرفته بود، او را به بیمارستانی در تایلند برد. پسریچه معده‌در داشت و خون استفراغ می‌کرد و مادرش مدعی بود که پسر وی از یک نوع آلرژی نادر به سه غذاهای دریایی رنج می‌برد.

پسریچه در بیمارستان بستری شد و پزشکان پس از معاینه او متوجه شدند که هیچ حساسیتی در کار نیست. بررسی‌ها نشان می‌داد که معده او به شدت عفونت دارد. اما این یک عفونت معمولی معده نبود. آنها در بررسی‌های دقیق‌تر متوجه شدند که دهان، معده و روده پسریچه حاوی آثاری از مواد شیمیایی است که در شونده‌ها یافت می‌شود.

ماجرا مشکوک به‌نظر می‌رسید و شواهد نشان می‌داد که زن جوان دروغ می‌گوید و پسریچه خردسال او به دلیل خوردن مواد شونده در دراز مدت دچار عفونت معده شده‌است. در این شرایط ماجرا به پلیس گزارش و ناتپوان را کوجنت دستگیر شد. با دستگیری این زن و تحقیقات بیشتر درباره او بود که اسرار جنایت هولناک وی فاش شد.

قتل دختر بی‌گناه

در جریان تحقیقات معلوم شد که این، نخستین باری نیست که زن جوان یکی از فرزندانش را در بیمارستان برده و مدعی

شده که وی به غذاهای دریایی حساسیت دارد.

مأموران متوجه شدند که ناتپوان در سال ۲۰۱۹ نیز پیکر نیمه‌جان دختری خردسال را به بیمارستان منتقل کرده و

همیشه‌ری

کوتاه از حادثه

بازداشت یک مرد در مرگ دختر ناپدید شده

تحقیقات در پرونده مرگ مرزوم دختری ۲۵ساله در پایتخت، نشان می‌دهد که او پس از آشنایی با مردی در سایت همسرایی، به ویلای او پا گذاشته و چند روز در آنجا زندانی و شکنجه شده تا اینکه از پنجره فرار کرده است. به گزارش همشهری، نوزدهم شهریور امسال گزارش مرگ مشکوک دختری جوان در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به قاضی محمد تقی شعبانی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. وی بدن این دختر ۲۵ساله آثار کبودی و ضرب و جرح دیده می‌شد اما علت مرگ به درستی مشخص نبود.

در ادامه تحقیقات مشخص شد که دختر جوان نسترن نام داشت و اهل یکی از شهرهای جنوبی کشور بود. به گفته خانواده‌اش، نسترن آخرین بار برای انجام کاری از خانه خارج شده و دیگر برنگشته بود. آنها در این مدت همه‌جا را به دنبال وی گشته بودند تا اینکه در نهایت یکی از دوستان وی در تهران با آنها تماس گرفته و گفته بود که نسترن حالش بد و در بیمارستان بستری است. پس از آن عموئی نسترن به تهران آمد اما وقتی به بیمارستان رسید که دختر جوان جان باخته بود.

آشنایی در سایت همسرایی

با این اطلاعات، تیم جنایی تحقیقات برای کشف راز مرگ دختر جوان را ادامه داد. مأموران به سراغ دوست نسترن رفتند و او گفت: من ونسترن مدت‌هاست که با هم دوست هستیم و او همیشه خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌اش را با من در میان می‌گذاشت. وی ادامه داد: او چند روز پیش از مرگش درحالی‌که به‌شدت ناراحت بود و حال مساعدی نداشت به خانم‌ام آمد و گفت شکنجه شده‌است. بعد برایم تعریف کرد که در سایت همسرایی با مردی به نام ناصر آشنا شده و او وعده ازدواج داده‌است. نسترن گفت ناصر از او خواستگاری کرده و خواسته تا با هم قرار ملاقات بگذارند. به همین دلیل از خانه‌شان در جنوب کشور راهی ویلای ناصر در شمال کشور شده بود. البته آنطور که نسترن می‌گفت ویلا متعلق به یکی از بستگان نزدیک ناصر بود. دختر جوان گفت: ناصر خودش را عکاس جازده و با چرب زبانی اعتماد نسترن را جلب کرده بود. اما به محض رسیدن وی به شمال کشور، او را در ویلا زندانی کرده بود. نسترن می‌گفت که ناصر در این مدت او را شکنجه می‌کرد، وقتی دیدم همه بدش کبود است، حرف‌هایش را باور کردم. نسترن توضیح داد که در نهایت توانسته از غفلت ناصر که برای خرید از ویلا خارج شده بود استفاده و از پنجره ویلا فرار کند. اما هنگام فرار در یکی از خیابان‌های شمال کشور از هوش رفته بود و هر گذران او را به بیمارستان رسانده بودند. نسترن پس از آنکه از بیمارستان ترخیص شد به خانه من در تهران آمد و همه چیز را برایم تعریف کرد اما ساعتی بعد دوباره حالش بد شد و از هوش رفت. من هم فوراً او را به بیمارستان رساندم اما دوام نیاورد.

بازداشت مرد عکاس

با اظهارات دوست نسترن، تحقیقات برای دستگیری ناصر شروع شد. او در یک مشاور املاک در تهران مشغول به کار بود و گاهی به صورت تفریحی عکاسی می‌کرد. این مرد در سایت همسرایی خودش را عکاس معرفی کرده بود و این در حالی بود که به گفته دوست نسترن متاهل بود. به به‌دست آمدن این اطلاعات، ناصر بازداشت شد. اما در بازجویی‌ها از او ادبیت و شکنجه نسترن را انکار کرد. وی گفت: با دختران دم بخت در سایت همسرایی آشنا می‌شدم و برای خوش گذرانی آنها را به ویلا دعوت می‌کردم اما اتهام‌آزار و ادبیت و شکنجه را قبول ندارم. وی ادامه داد: با نسترن هم در سایت همسرایی آشنا شدم و بعد از دعوت مر قبول کرد و به ویلا آمد. ۲روز پیش من بود و بعد با خواسته خودش ویلا را ترک کرد. درحالی‌که مرد جوان منکر گروگانگیری، آزار و ادبیت و شکنجه دختران را بخته بود اما در بازرسى گوشى تلفن همراهش تصاویر و فیلم‌هایی به‌دست آمد که نشان می‌داد نتنها نسترن بلکه دختران دیگری هم قربانی خشونت او قرار گرفته‌اند. متهم برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفته و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

کامیون سیمان ۷خودرو راله کرد

تصادف یک دستگاه کامیون حمل سیمان با ۷دستگاه خودرو در بزرگراه اشرفی اصفهانی علاوه بر وارد کردن خسارت به این خودروها ۷مصدوم نیز بر جا گذاشت. به گزارش همشهری، این حادثه ظهر دیروز در بزرگراه اشرفی اصفهانی، پیش از بزرگراه همت اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که یک دستگاه کامیون حمل سیمان که در حال حرکت در بزرگراه بود بنا به دلائل نامعلومی از مسیر اصلی منحرف شد و با ۷دستگاه خودروی دیگر برخورد کرد. سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران درباره جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۱۱:۵۷ چهارشنبه یک مورد حادثه برخورد چندین دستگاه خودرو در مسیر شمال به جنوب اشرفی اصفهانی، محدوده پل همت به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده شد که بلافاصله آتش‌نشنان از ۱۳ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند. او ادامه داد: در محل مشاهده شد که ۸دستگاه خودرو از جمله یک دستگاه پژو ۲۰۶، کوئیک، وانت... و تصادف کرده‌اند که دستگاه وانت نیز واژگون شده است. در این شرایط ضمن آمین‌سازی محل حادثه، انفراز حادثه‌دیدگان از جمله ۵خانم و ۱۲قا که مصدوم شده بودند به عوامل اورژانس تحویل داده شدند.

از سوسی دیگر مجتبی خالدی، سخنگوی سازمان اورژانس کشور نیز جزئیات بیشتری از این حادثه و وضعیت مصدومان را توضیح داد و گفت: تصادف بین چند دستگاه خودرو در بزرگراه اشرفی اصفهانی اتفاق افتاده بود که با اعلام این خبر به مرکز فوریت‌های ۱۱۵ اورژانس بلافاصله پس از آن کنسینس‌های اورژانس به محل اعزام شدند.

او ادامه داد: براساس اطلاعات اولیه یک کامیون حمل سیمان به دلایلی که باید از سوسی کارشناس مربوطه بررسی شود با

۷دستگاه خودرو برخورد کرده بود. در این شرایط امدادگران یکی از مصدومان را که جراحات سطحی داشت در محل درمان کردند و ۷نفر دیگر را نیز به مراکز درمانی منتقل کردند.